

۸ مارچ روز بین المللی زن در جهان نقش زن در اجتماع گذشته، امروز و فردا...!

هرگاه در گذشته های دور به نقش زنان در اجتماع نظری بیاندازیم، در می یابیم که زنان با اراده قویتر، متکی به نفس خود بوده، در بسیاری اجراء امور اجتماعی فرق زیاد در میان زن و مرد دیده نمیشد. روش زندگانی (گفتار و کردار) اکثر زنان، مادران و دختران پیغمبران بهترین مثال برای نسل بشر بوده که در تاریخ اسلام جایگاه و مقام خود را حفظ داشته است. از آنجمله زنان یکی هم هاجر زنی ابراهیم ع میباشد که در یک محیط کاملاً نا آشنا (بیابان) همراه با طفل کوچکش با اعتماد کامل که نسبت بخود داشت، با تلاش های خسته ناپذیر در مقابل آنهمه مشکلات و نابرابری ها از خود استقامت نشان داده، بدون محرم شرعی با صبر و بردباری به زندگی اش ادامه میداد. تا اینکه به لطف خداوند و برکت فوران آب (چشمه) چنانکه کاروان از آنجا گذشت و از فاصله دور پرنده ها را به پرواز دید، یقین حاصل شد که حتما در همین نزدیکی ها چشمه آب وجود دارد، با حضرت بی بی هاجر ملاقات و اجازه اقامت را حاصل نموده، تا در آنجا سکونت دایمی اختیار نمایند. بی بی هاجر نظر به همت و شجاعت عالی که خداوند تعالی به وی اعطا نموده بود، آنها را اجازه داد تا در آن محل مسکن گزین گردند، که بعد ها از همان قوم اسماعیل ع دختری را به زنی گرفت.

آمده است: زمانیکه موسی ع از مصر به شهر مدین رسید، و برای رفع خستگی در زیر تنه درخت نزدیک (چاه آب) به استراحت پرداخت، چشمش به جمعیتی از مردان افتید که به نوبت از چاه آب کشیده گوسفندان شانرا آب میدهند و کمی دورتر دو دختر ایستاده، تا بعد از مردان گوسفندان را که از چراگاه با خود آورده بودند سیراب نمایند. موسی ع از این وضع ناراحت گشته با وجودیکه آثار خستگی در چهره اش نمایان بود، از جا برخاست، ریسمان را از دست مردان گرفته و با اشاره سر دختران را نزدیک طلبید و خود از چاه آب کشید تا گوسفندان را سیراب نماید. آنها که دختران شعیب پیغمبر بودند نسبت به روزهای قبل، وقت تر به خانه رسیدند و علت وقت آمدن شانرا یکایک به پدر شان حکایت نمودند.

شعیب ع که از رفتار نیک این مرد خدا خرسند شده بود، به یکی از دختران هدایت داد تا رفته و آنمرد شریف را به پاس نیکی اش به منزل دعوت نماید و بقیه داستان...

در اینجا به دو چیز توجه بیشتر جلب میگردد: اول اینکه مشارکت زنان را مانند مردان در اجتماع نشان میدهد که وظایف سنگین خارج از منزل مانند چرانیدن گوسفندان و غیره را به عهده میگردانند و امروز هم در بعضی نقاط جهان زنان وظایف زراعت و مالداری را در کنار مردان به پیش میبرند.

دوم اینکه دختران شعیب ع بدون محرم شرعی نزدیک بشام و یا نا وقتتر به منزل برمیگشتند. و سوم اینکه حضرت شعیب، بدون محرم شرعی و احساس خوف، یکی از دختران را به عقب موسی ع فرستاد تا همراه باوی یکجا برگردد.

البته اعتماد به نفس اگر وجود داشته باشد. زنان میتوانند در هر امری بدون خوف اهداف شانرا در جامعه پیاده سازند، که متأسفانه در زمان حکومت طالبان (زن ستیز) حتی دیدن سایه زن را از عقب شیشه منزل سبب تحریک و عامل شیطنت حساب مینمودند. این عده از مردان که حتی به پاک بودن قلب و چشم خود هم باور نداشته و به نظر این کهنه فکران، طفل فرزندی که به سن بلوغ رسید، نامحرم حساب میشود که نباید با آن زن که از وی تولد نشده است، در یک اتاق تنها باشند، همچنان اقارب نزدیک مانند پسران کاکا و ماما خاله و عمه همه نامحرم گفته شده، که این چنین ذهنیت های تاریک، خود سبب مغشوش ساختن افکار دیگران و ایجاد وسوسه های شیطنانی (فساد اخلاقی) در اجتماع میگردد.

در مظاهرات مصر و کشورهای دیگر حضور زنان با مردان مخلوط باهم دیده شده که در کنار هم و بدون هراس از وسوسه شیطان مانند یک خانواده دور هم گرد آمده بودند.

در صدر اسلام زن و مرد در مسجد مخلوط با هم نماز را اداء مینمودند، اما موقع که وجود اشخاص بیمار محسوس شد، حضرت عمر رض فرمودند تا زنان در موقع داخل شدن و برآمدن از مسجد از یکطرف دروازه رفت و آمد نمایند و مردان از طرف دیگر، یعنی که در آغاز چنین نبود.

در زمان حیات پیغمبر اسلام عربها بدور یک ظرف بزرگ مرد و زن باهم غذا صرف مینمودند که امروز همچنان اعراب بادیه نشین و بعضی مردم کوچی ها با همان رسوم عنعنوی دور یک ظرف بزرگ قرار گرفته، حتی اگر بیگانه هم در جمع آنها باشد غذا صرف مینمایند.

اگر خداوند تعالی یک خانواده را از نعمت داشتن فرزند پسر محروم میسازد، آیا دختران مانند پسران حق مشارکت را در اجتماع ندارند، تا مانند آنها وظایف خارج منزل را بدون محرم به عهده بگیرند. آمده است اینکه:

حنه مادر حضرت بی بی مریم از خداوند تعالی پسر آرزو نمود تا وی را در خدمت بیت المقدس قرار بدهد، اما خداوند تعالی نظر به حکمت های که در دختر وجود داشت به عوض پسر برایش دختر (حضرت مریم) را نصیب گردانید، تا وی را در خدمت بیت المقدس قرار دهد. خداوند تعالی حضرت مریم را در میان مردان و زنان جهان برتری داده و به جایگاه خاص قرارش داد، و وظیفه مریم صرف با همان معجزات (تولد عیسی ع) ختم نشد، بلکه از طرف خداوند برایش هدایت داده شد، تا در اجتماع در میان مردم داخل شود و رسالتش را آنچه به آن موظف گردیده است، به انجام رساند.

(نه اینکه چون او زن است و به عذاب عادت ماهوار قرار میگیرد، زن چون فراموش کار است، باید در مشوره با زن دیگر یکجا قرار گیرد، چون شهادت او به تنهایی اعتبار ندارد و غیره حرف های غیر علمی که مردم جهان را به تعجب قرار داده است.)

آیات صریح قرآن، نقش زن را در اجتماع کاملاً روشن میسازد. خداوند تعالی در سوره آل عمران میفرماید:
(ای مریم! پروردگارت را اطاعت کن و سجده کن، با رکوع کنندگان رکوع، و با نماز گذاران نماز بخوان..)
خداوند تعالی به مریم که یک زن بود دستور میدهد تا در میان فرقه های از مردم (رکوع کنندگان) و (نماز گذاران) قرار بگیرد و نه در پرده نشینی و سکوت مرگبار که حتی از دیدن سایه خود هم خوف در دل داشته باشد. لطف و نظر خداوند تعالی در حق زنان و دختران زیاد میباشد، اما در کشور های اسلامی موقف زنان مسلمان بگونه ایست که حتی اگر بخواهند بصورت یک گروه چند نفری کوچک بدون محرم شرعی به (حج عمره) بروند، اجازه اخذ ویزه و سفر جهت زیارت خانه خدا برایشان داده نمیشود..

بعضی ها غیر منصفانه بخاطر نادیده گرفتن (مساوات و برابری) در میان زن و مرد میگویند که خداوند تعالی در قرآن عدالت را در میان آنها معیار قرار داده است، نه مساوات را...

به آیات دوم و سوم سوره نور مراجعه گردد، در اجرای حد برای زن و مرد مساوات معیار قرار داده شده است تا به هر کدام از زنا کاران (صد) مساوی (صد) دره زده شود.

پس از تفکر و تعقل که خداوند تعالی بندگان را به آن سفارش نموده است باید کار گرفت، تا حقیقت روشن گردد که در کدام قسمت از این آیات عدالت معیار قرار داده شده است. خداوند تعالی خطاب به پیغمبرش میفرماید ترجمه:
این سوره ایست که بر تو نازل کردیم نباید آن احکام ترک شود، درین سوره آیاتیکه وضوحاً به آن احکام دلالت دارد نازل کردیم بلکه متذکر شده بدانها عمل کنید.

(به زن و مرد زنا کار بهر یک صد تازیانه بزنید، ای متولیان و رؤسای دین اسلام در اجرای احکام الهی در باره زن و مرد رحم و شفقت شما را نگیرد و در جاری ساختن حد مقرر الهی محکم و ثابت و برقرار باشید، اگر به خداوند تعالی و روز آخرت ایمان آورده اید. در موقع حد زدن واجبت که طایفه ای از مومنین حاضر شده و در حضور آنها حد زده شود، خاطیان بیشتر شرمسار، ذلیل و خجل شده سایرین نیز عبرت بردار شوند.)

واقعا اگر با دلایل عقلی به عمق این آیات توجه گردد جواب سوالات بما روشن شده، که بعضی علما روی آن اختلاف نظر دارند. خداوند تعالی در حق هیچ یک از بندگان ظلم نمیکند. چون در هر جا که مساوات بود، عدالت نیز در آنجا حکمفرماست و خداوند تعالی عدالت را با مساوات در حق بنده در نظر گرفته است، چنانکه میفرماید: من به هیچ یک از شما (مرد و زن) ظلم نمیکنم و به اندازه عمل گناه هرکس برایش جزا داده میشود.
پس در موقع اجرای حد، باید اولاً دانست که آیا مجرمین با قوانین اصول دین و شرایط جزا باخبر هستند تا حکم شریعت مساویانه و عادلانه مورد تطبیق قرار گیرد.

شرط اول نظر به حکم قرآن اینست که مجرمین باید عاقل و بالغ باشند یعنی بالا تر از هفده سال به سن رشد عقلی رسیده باشند و نه رشد جسمی (عادت ماهانه) یعنی اگر دختری به سن دوازده یا سیزده سال ازدواج کرده و چهارده یا پانزده سالگی مرتکب عمل زنا با مرد بالا تر از بیست سال شده باشد، چگونه عدالت معیار قرار میگیرد که بین سنین شان تفاوت زیاد وجود داشته، اما بدون رحم و شفقت مساویانه به هر دو صد دره زده شود، لیکن در سن رشد عقلی کاملاً فرق میکند زیرا آنها قادر خواهند بود تا با اراده عقل و تقوی بالای نفس خود بیشتر حاکم باشند. پس ازدواج با صغیره در شریعت اسلامی مجاز نمیشود.

شرط دوم اینست که ازدواج زن با مرد نظر به حکم قرآن باید با رضایت جانبین بوده باشد و نه ازدواج اجباری، که آنها را بعمل زنا بکشاند، یعنی ازدواج اجباری در شریعت و قانون خداوند تعالی مجاز نیست.

اگر مرد و زن، در سن رشد عقلی خود قرار داشته و قادر به اداره امور و اموال خود باشند، در صورتیکه با رضایت و خوشی باهم ازدواج کرده باشند، احتمال انجام عمل زنا بسیار زیاد کم بوده و به ندرت اتفاق خواهد افتاد، تا یک فرد عاقل مسلمان به نفس خود خیانت کرده و از روی ناسپاسی به امر خداوند به گناه (عمل زنا) خود را آلوده و شرمسار سازد. باید در چنین حالات جزای سنگین بدون مراعات و شفقت در مورد شان نظر به حکم قرآن جاری ساخته شود، تا پند و عبرتی برای دیگران بوده که میتوان جامعه آلوده به فساد را پاک نمود.

بعضی مذاهب مختلف، برای دختران باکره صد دره و برای زن شوهر دار (سنگسار) را فتوی داده اند که در قرآن آیتی در مورد سنگسار نازل نشده است.

وقتیکه به همه ثابت میباشد که خداوند تعالی مهربان است، ظالم نیست و بندگان را دوست دارد، احکام قرآن برای دختر و یا زن شوهر دار و همچنان مرد مجرد و یا مرد زن دار که آنها عاقل و بالغ باشند حکم جزا را یکسان بدون تفاوت مقرر داشته است.

پس ممکن نخواهد بود که پیغمبر خدا با حضرت عایشه در سن خردی (صغیره) ازدواج کرده باشند، در صورتیکه همه قوانین خداوند برایشان معلوم بود که به مردم میرسانیدند. باید که سن حضرت عایشه بالا تر از هفده بوده باشد. که به ثبوت دیگر خداوند تعالی به زنان پیغمبر سوره احزاب میفرماید ترجمه:

(ای زنان پیغمبر هر یک از شما که بطور ظاهر و آشکار عمل قبیح بکنند، دو برابر دیگران عذاب شوند، دو برابر عذاب کردن بر خداوند تعالی سهل و آسان است. عیال پیغمبر شدن عذاب را از شما دفع نمیکند، بلکه موجب شدت عذاب میشود.)

زنان پیغمبر بشمول حضرت عایشه بایست که سن رشد عقلی بوده، تا احکام قرآن را رعایت کرده، تا مطابق به آن عمل کرده باشند.

در صورتیکه زیادت از هشتاد فیصد در کشورهای اسلامی و بخصوص در میان مردم غیر شهری، زنان از حقوق دینی (شرعی) و مدنی خود آگاهی چندان ندارند و بدون رضایت خود شان تن به ازدواج میدهند، در صورتیکه به عمل (زنا) محکوم گردند، بدون پرسش از سن، احوال و علت جرم شان، فوراً زن مظلوم را یا دره زده و یا هم سنگسار میکنند که باید علمای محترم در مورد توجه جدی نموده، جلو آنها را که عرف و غیرت را با دین مخلوط ساخته بنام شریعت ظالمانه مورد اجرا قرار میدهند، بگیرند تا خدانواسته دین اسلام که دین عدل میباشد از نام و افتخاراتش در برابر دیگر ادیان جهان کاسته نشود.

در قانون بین المللی (مدنی) سن ازدواج و حکم جزای قانونی بالاتر از سن هفده سال (رشدعقلی) بین دختران و پسران یکسان تعیین گردیده است، که اعلیحضرت غازی امان الله خان مرحوم سن ازدواج دختران را هژده سال و از پسران را در بیست دو سالگی در ریفوم اصلاحاتی جا داده بودند، ولیکن متأسفانه از طرف ملاها و روحانیون که موافق نبودند تا ازدواج با صغیره از میان برود، با مخالفت های شدید مواجه گردید، و سن بیست و دو برای پسران بخاطر درک مسؤولیت بیشتر زندگی خانوادگی و خدمت عسکری در نظام های بعدی تعیین شده بود و نه سن قانون جزایی. چنانکه امروز در محاکم کشور، در سنین جزا میان دختران و پسران فرق زیاد آورده شده که با عدالت مطابقت ندارد. سن ازدواج برای دختران شانزده و از پسران هژده سال تعیین گردیده است، و به همین اساس اگر دختر در سن شانزده مجرم شناخته میشود مورد جزای قانونی قرار میگیرد، در حالیکه همان جرم را اگر یک پسر شانزده ساله انجام بدهد، مورد جزای قانونی مانند دختر قرار نمیگیرد، تا به سن ازدواج یعنی هژده سال نرسیده باشد، که میتوان گفت: در کشور اسلامی ترازوی عدالت بدون برابری و مساوات در میان دو موجود خداوند (مرد و زن) چنانکه در آغاز خلقت باهم مساوی و برابر بودند، تا به روز قیامت کج و نابرابر باقی خواهد ماند.

نقش زنان در اجتماع امروز جهان صنعتی (تکنالوژی) پر اهمیت میباشد، زیرا زنان مانند مردان در اکثر علوم و فنون مختلف، مانند طبابت، سیاست، اقتصاد و غیره، همچنان در ساحات نظامی و قضایی، عدلی و قضایی با موفقیت های چشمگیری نایل آمده اند، و بیشتر این زنان از کشورهای غیر اسلامی بوده که این سعادت را نصیب گردیده اند. البته نظر به شرایط موجود در جوامع اسلامی، اسامی زنان مسلمان در لست این زنان نامور تاریخ کمتر به چشم میخورد. چیزیکه قابل تشویب و نگرانی در مورد نقش زنان مسلمان در آینده خواهد بود، عدم توجه و حسن نیت دولت های اسلامی در برابر آنها بوده که زمینه ارتقاء و پیشرفت شانرا در ساحات مختلف فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مساعد نمیسازند، یعنی دولت های اسلامی بسوی روند سیاست های نیمه طالبانی و آخوندی همراه با تعصب و زن ستیزی در حرکت بوده که اگر اصلاحات لازم در جهت زندگی هدفمند و سودمند برای وضع اجتماعی زنان کشورهای اسلامی در نظر گرفته نشود و این وضعیت همچنان ادامه پیدا کند، زندگی زنان مسلمان در (قرن بیست و یکم) بدتر از گذشته، و با مشکلات زیاد مواجه خواهد گردید، که جای تأثر و تأسف برای روشنفکران

و جامعه زن مسلمان خواهد بود، چون باز هم موفقیت ها را زنان غیر مسلمان با فردای روشن و پر از امید نصیب خواهند گردید.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ